



Assessing the Capacity of Inferential Statistics for Identifying Customary Practice (*'Urf*) in the Process of *Ijtihād*

Morteza Niazi  (Corresponding Author), Ph.D. Candidate, Department of Decision Sciences and Complex Systems, Faculty of Industrial Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: morteza.niazi@ut.ac.ir

Dr. Mohammad Hossein Bayati , Assistant Professor, Department of Fiqh and Law, University of Edalat, Tehran, Iran

Mahdi Hamzehpoor, Associate Professor of Decision Sciences and Complex Systems, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran

Abstract

Customary practice (*'Urf*) refers to the prevailing practice and established custom among people, and is one of the most significant and frequently invoked concepts in jurisprudence and principles of jurisprudence (*uṣūl-i fiqh*). A central issue concerning customary practice is the method by which it should be inferred. Various approaches have previously been proposed for inferring it, such as intuitive analysis, enumeration of elements, inductive reasoning, transmission, and testimonial evidence. The present study seeks to introduce inferential statistics as a methodological tool for the inference of customary practice. Inferential statistics generalizes characteristics derived from a sample to the entire population by employing probability calculus and clear logical procedures. Using estimation theory or statistical hypothesis testing, it can determine whether a given hypothesis holds for the larger community with a high degree of confidence. Thanks to its low-margin error, inferential statistics can move beyond conjecture and assist the jurist or legally responsible individual in gaining confidence regarding the proper inference of the common understanding of a given matter. Alternatively, it may challenge a certitude (*qaṭ'*) generated purely by subjective intuition, destabilize it, and thereby strip it of legal authority (*hujjiyyah*). In such instances, the relevant practical principle appropriate to the issue at hand must then be applied.

Keywords: Customary practice (*'urf*), inference of *'urf*, statistics, inferential statistics, estimation theory, certainty (*qaṭ'*), legal authority (*hujjiyyat*)





افشور

Journal of Fiqh and Usul

HomePage: <https://jfiqh.um.ac.ir/>

سال ۵۷ - شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۴۲ - پاییز ۱۴۰۴، ص ۲۶۷ - ۲۴۱

شاپا الکترونیکی ۲۵۳۸-۳۸۹۲



شاپا چاپی ۲۰۰۸-۹۱۳۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳

DOI: <https://doi.org/10.22067/jfiqh.2024.85484.1721>

نوع مقاله: پژوهشی

ظرفیت سنجی آمار استنباطی در جهت استظهار عرف در فرایند اجتهاد

مرتضی نیازی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری گروه علوم تصمیم و سیستم‌های پیچیده، دانشکده مدیریت صنعتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Email: morteza.niazi@ut.ac.ir

دکتر محمدحسین بیاتی

استادیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه عدالت، تهران، ایران

دکتر مهدی حمزه‌پور

دانشیار علوم تصمیم و سیستم‌های پیچیده، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران

چکیده

عرف به معنای امر متداول و عادت مسلم بین مردم است و از مهم‌ترین و پربسامدترین مفاهیم فقهی و اصولی به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین مباحث پیرامون عرف، نحوه استظهار آن می‌باشد. پیش از این راه‌های مختلفی همچون تحلیل وجدانی، عناصر شماری، استقرا، نقل و شهادت برای استظهار عرف پیشنهاد شده است. این پژوهش درصدد آن است تا یکی از شاخه‌های علم آمار به نام آمار استنباطی را به عنوان یکی از ابزارها در جهت استظهار عرف معرفی کند. آمار استنباطی با استفاده از حساب احتمالات و منطقی روشن، براساس نمونه آماری، ویژگی‌هایی را به کل مجموعه تعمیم می‌دهد و قادر است با تئوری تخمین یا آزمون فرضیه آماری نشان دهد آیا فرضیه موردنظر با درصد اطمینان بالا در کل جامعه نیز صادق است یا خیر. آمار استنباطی می‌تواند با خطای پایین خود از دایره ظنون خارج شده و تا حد اطمینان فقیه یا مکلف را نسبت به استظهار صحیح نظر عرف در باب یک موضوع یاری رساند و یا دست کم قطع ناشی از وجدانیات وی را زیر سؤال برده و با متزلزل ساختن آن، حجیت را از آن جدا کند که در این هنگام باید متناسب با موضوع مورد استنباط، به اصل عملی مربوط به آن مراجعه کرد.

واژگان کلیدی: عرف، استظهار عرف، آمار، آمار استنباطی، تئوری تخمین (برآورد)، قطع، حجیت.

مقدمه

امروزه جایگاه عرف در استنباط احکام شرعیه و دستورهای دینی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. بسیاری از قواعد فقهی و اصولی به آیات و روایات مستند است و یکی از مناسب‌ترین مراجع برای تشخیص ظواهر عرف است. تشخیص ظهوراتی نظیر ظهور امر و نهی و مصادیق قمار و غنا و... تنها گوشه‌ای از جایگاه عرف در منظومه استنباطی فقیه به شمار می‌رود. این اهمیت وقتی دوچندان می‌شود که بدانیم علاوه بر کاربرد عرف در علم اصول فقه که قواعد مشترکه همه ابواب فقهی برای استنباط احکام شرعیه است،^۱ در خود علم فقه نیز محدود به باب خاصی از ابواب فقهی نیست و از طهارت تا حدود و دیات شامل مواردی هستند که عرف در آن‌ها نقش بسزایی دارد.

از جمله موارد بسیار مهم راجع به بحث عرف، نحوه تشخیص آن است. به بیان دیگر، باتوجه به نقش بسیار مهم مرجعیت عرف عام در شناخت موضوعات احکام و مفاهیم عرفیه، از چه راه‌هایی می‌توان عرف را کشف کرد؟ این مسئله تا جایی اهمیت دارد که گاهی فقها بر سر یک مسئله در تشخیص عرف با یکدیگر به اختلاف بر خورده‌اند. برای مثال، مفهوم مال مفهومی عرفی است و اینکه چه مؤلفه‌هایی از مقومات مال شمرده می‌شود، باید از عرف و عادت عقلا فهمیده شود. در همین مسئله فقها در تشخیص اینکه عرف چه چیزهایی را جزو مقومات مفهوم مالیت می‌داند، دچار اختلاف شدند؛ برخی فقها در تحقق مالیت، رفع حاجت و تحصیل با اعمال عمل را معتبر دانسته‌اند.^۲ برخی دیگر مدعی شده‌اند که برای تحقق مالیت لازم است شیء مدّ نظر کمیاب باشد و این غلبه تقاضا بر عرضه موجب مورد رغبت واقع شدن آن شود.^۳ در راستای چگونگی استظهار عرف باید گفت: علی‌رغم اهمیت نحوه استظهار عرف، در متون فقهی و اصولی به صورت مجزا مورد بحث و بازبینی قرار نگرفته است.^۴

ازسویی دیگر، آمار استنباطی که یکی از شاخه‌های علم آمار است، به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان با وجود محدودیت‌های سرشماری نظیر هزینه، زمان بر بودن، دردسترس نبودن و...، تحت ضوابطی خاص، نمونه‌گیری انجام داد و نتایج حاصل از آن نمونه را باتوجه به قواعدی معلوم و تعریف شده با درصد خطای کم و قابلیت اطمینان زیاد به کل جامعه تعمیم داد.^۵ در شرایطی که سرشماری امکان عملی نخواهد داشت، با در دست داشتن نمونه‌ای تصادفی و به اندازه کافی، می‌توان با استفاده از

۱. صدر، دروس فی علم الاصول، ۴/۱.

۲. اپروانی، حاشیه المکاسب، ۱۶۵/۱.

۳. حکیم، نهج الفقه، ۳۲۵.

۴. علی‌دوست، فقه و عرف، ۳۹۲.

۵. آذر و مؤمنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۲/۱.

تئوری تخمین در فاصله اطمینان تعریف شده و با درصد خطای معین که می توان به صورت حداکثری آن را کاهش داد، به پاسخی رسید که تا حدود زیادی از طریق سرشماری یا همه شماری به دست می آید.

در این پژوهش درصدد آن هستیم تا با بررسی دقیق آمار استنباطی و ضوابط حاکم بر آن نشان دهیم یکی از راه های استظهار عرف، استفاده از آمار استنباطی است، به طوری که استفاده از آن می تواند در تشخیص نظر عرف عام به فقیه کمک کند و نتایج مربوط به آن در حق فقیه حجیت خواهد داشت. تعیین یک چهارچوب علمی برای تشخیص عرف عام باعث کاهش این اختلافات و تشخیص درست موضوعات در مواردی است که تشخیص موضوع به عرف محول شده است و در نتیجه، استنباط احکام شرعیه فرعیه متقن تر خواهد شد. در این راستا، می توان پاسخ به سؤالات زیر را محور اصلی این نوشتار به شمار آورد:

ضوابط حاکم بر عرف چیست؟ ضوابط حاکم بر آمار استنباطی چیست؟ آیا می توان برای تشخیص عرف عام در مسائل گوناگون از آمار استنباطی بهره جست؟ با وجود همراهی همیشگی نتایج آمار استنباطی با خطا، آیا نتایج حاصل از آمار استنباطی در تشخیص عرف عام برای فقیه حجیت حاصل می کند یا خیر؟

پیش از پرداختن به سؤالات مذکور باید پرسید تاکنون چه راه هایی برای استظهار عرف پیشنهاد شده است؟ با تمام اهمیت این بحث در میان موضوعات مختلف فقهی، کمتر به آن پرداخته شده و جز در برخی بخش ها بحثی از آن به میان نیامده است^۶ اما با دقت در آثار فقها می توان به چند مورد دست یافت. یکی از طرقی که می توان از آن برای به دست آوردن نظر عرف استفاده کرد، تحلیل وجدانی است. هنگامی که انسان مسئله ای را به وجدان و مرتکزات خود عرضه می کند، می یابد که در برابر آن مسئله به سوی یک موقف عملی مشخصی حرکت می کند و آن موقف عملی نزد وجدانش کاملاً واضح است، به طوری که از فردی به فرد دیگر و از حالتی به حالت دیگر این وضعیت تغییری نمی کند و همه افراد نیز همان موقف عملی را به دلیل تحلیل وجدانی اتخاذ می کنند و این مسئله باعث اطمینان بیش از پیش شخص به وجدانیاتش خواهد شد.^۷ همچنان که شیخ انصاری نیز در بحث از چگونگی تشخیص مصادیق لهُو در خارج، وجدان و یافت شخص را به عنوان مرجعی برای تطبیق مصداق عرفی معرفی می کند.^۸ راه دیگری که به نوعی شباهت به طریق قبلی دارد این است که به مرتکزات و وجدانیات افراد دیگر رجوع شود. بررسی مرتکزات مردم پیرامون یک مفهوم و مصادیق آن می تواند فقیه را در کشف بسیاری از مفاهیم و مصادیق یاری کند. برای مثال، درباره صدق عرفی ربا در مواردی که وام دهنده به جبران کاهش ارزش زمانی پول در مدت قرض،

۶. علی دوست، فقه و عرف، ۳۹۲.

۷. جمعی از نویسندگان، الفائق فی الاصول، ۶۱.

۸. انصاری، المکاسب، ۲۱۷/۳.

مقدار بیشتری از اصل پول را برای پس‌گرفتن آن مطالبه کند، باید اذهان افراد عرف را مورد کاوش قرار داد که آیا چنین چیزی را از مصادیق ربا به شمار می‌آورند یا خیر؟^۹

راه دیگر کشف عرف، استقراست؛ به این بیان که، نظر عرف در خارج موجود است و نمودی خواهد داشت، پس اگر تعدادی از افراد را مشاهده کردیم که علی‌رغم تفاوت‌های شخصی که با هم داشتند بر یک موضوع اتفاق نظر دارند، آن مسئله را می‌توان به‌عنوان نظر عرف استظهار کرد.^{۱۰} در برخی متون از این راه به‌عنوان عناصر شماری یاد شده است و برخی حقوق‌دانان این راه را تنها طریق کشف نظر عرف معرفی کرده‌اند^{۱۱} که می‌تواند در کشف عرف بسیار راهنما باشد.

نقل و شهادت نیز به‌عنوان یکی از راه‌های دیگر کشف عرف است، به‌گونه‌ای که اگر به‌سبب کثرت نقل‌ها یا ضمیمه کردن قرائن و شواهد به علم یا اطمینان رسید. البته به‌شرطی است که نقل مذکور شرایط حجیت را داشته باشد (مانند خبر واحد ثقة).^{۱۲}

۱. ادبیات موضوع

۱.۱. عرف

«عرف» در لغت به‌معنای پی‌درپی بودن و تتابع اتصال،^{۱۳} معرف و شناخت،^{۱۴} امر شناخته‌شده بین مردم^{۱۵} و خوی و عادت^{۱۶} است. در میان تمامی معانی ذکرشده برای عرف، به‌کاربردن آن در معنای امر متداول بین مردم و عادت مسلّم است.^{۱۷} معنای اصطلاحی عرف نیز عبارت است از: «آنچه که مردم به آن عادت و مطابق آن سیر کرده‌اند؛ اعم از قول یا فعل یا ترک که گاهی گروهی خاصی از مردم و گاهی عامه مردم به این شیوه رفتار کرده‌اند.»^{۱۸} یا تعریفی که بیان می‌دارد: «عرف، همان استمرار عمل عقلا - از آن جهت که عاقل هستند - بر موضوعی است و گاهی از طریق عقلایی که منجر به بنای عرف می‌شود حکایت دارد و مراد از آن، عرف عام است و مبدأ این طریق عقلایی یا خبر خارجی است که به‌مرور جزو مرتکزات

۹. علی‌دوست، فقه و عرف، ۳۹۶.

۱۰. جمعی از نویسندگان، الفائق فی الاصول، ۶۰.

۱۱. جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۶۰.

۱۲. علی‌دوست، فقه و عرف، ۳۹۷.

۱۳. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن کریم، ۳۴۳.

۱۴. ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، ۲۸۱/۴.

۱۵. فراهیدی، العین، ۱۲۱/۲.

۱۶. عمید، فرهنگ فارسی عمید، ۷۲۸.

۱۷. علی‌دوست، فقه و عرف، ۴۶.

۱۸. بحرانی، المعجم الاصولی، ۳۱۵/۲.

خواهد شد و یا شارع مقدس است که با دستورات خود امری را جزو مرتکبات مردم می‌سازد و یا منشأ آن فطرت انسان‌هاست.^{۱۹} در تعریف دیگری اشاره شده است که: «فهم یا بنا یا داوری مستمر و ارادی مردم که به صورت قانون مجعول و مشروع نزد آن‌ها به خود نگرفته باشد.»^{۲۰}

از عوامل شکل‌گیری عرف می‌توان به درک عقل، فطرت، وحی، اجبار حاکم و سلطان و... اشاره کرد. برخی منابع علت شکل‌گیری عرف را صرفاً عقل بیان می‌کنند و عقلاً را بماهم عقلاً ایجادکننده عرف دانسته‌اند. برخی دیگر، فطرت را علت برای شکل‌گیری و پیدایش عرف دانسته‌اند؛ نظیر محقق نائینی که عرف را ناشی از فطرتی می‌داند که حق تعالی در اذهان برای حفظ نظام مرتکز کرده است.^{۲۱} همچنین وحی نیز می‌تواند سبب پیدایش عرف شود که در این صورت نام سیره متشرعه بر آن اطلاق می‌شود.^{۲۲} سلطه حاکمان نیز می‌تواند یکی از عوامل قهری برای پیدایش عرف باشد، چنان‌که محقق نائینی نیز بدان تصریح کرده است.^{۲۳} عوامل دیگری نیز همچون مسامحه و راحت‌گزینی و... نیز می‌تواند از عوامل پیدایش عرف باشند.

عرف از یک منظر به اعتبار تعداد و نوع افرادی که آن را پذیرفته‌اند به سه قسم تقسیم می‌شود: عرف عام‌العام، عام و خاص. عرف عام‌العام، عرفی است که افراد با چشم‌پوشی از زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کنند، آن را پذیرفته و مطابق آن عمل می‌کنند. این قسم از عرف از زمانی به زمان دیگر یا از مکانی به مکان دیگر تغییر نکرده و به همین اعتبار آن را عرف اعصار یا امصار نیز نامیده‌اند.^{۲۴} عرف عام عرفی است که در میان اهل یک سرزمین یا دین یا مذهب یا... شیوع دارد و همه افراد آن محدوده بر آن توافق دارند و آن را پذیرفته‌اند اما همه ادیان یا اقوام از آن اطلاعی نداشته و در میان آن‌ها رواج ندارد؛ مانند زبان یک قوم که الفاظ را در معانی مربوط به آنکه متعلق به همان منطقه است، استعمال می‌کنند.^{۲۵} عرف خاص نیز عرفی است که یا در منطقه‌ای خاص پذیرفته شده است و فقط افراد آن منطقه خاص مطابق آن عمل می‌کنند (عرف خاص مکانی) یا عرفی که در یک زمان توسط افرادی پذیرفته شده بود و در زمان دیگر رواج ندارد (نظیر بیع منابذه پیش از اسلام) (عرف خاص زمانی) یا عرفی که در میان جماعتی خاص رواج دارد و

۱۹. نائینی، فوائد الاصول، ۱۹۲/۳ تا ۱۹۳.

۲۰. علیدوست، فقه و عرف، ۶۱.

۲۱. نائینی، فوائد الاصول، ۱۹۲/۳.

۲۲. خویی، دراسات فی علم الاصول، ۲۴۷/۴.

۲۳. نائینی، فوائد الاصول، ۱۹۳/۳.

۲۴. شاطبی، الموافقات، ۵۰۹/۲.

۲۵. خرازی، «حقیقت عرف و اقسام و مبادی آن»، ۱۵۳/۱۴.

مخصوص تمام اهل یک مکان یا زمان نیست، بلکه به قشری خاص در منطقه‌ای خاص تعلق دارد که از آن با عنوان عرف خاص‌الخاص یاد می‌شود؛ مانند اصطلاحاتی که میان اصناف مختلف در محلی خاص رواج دارد.^{۲۶} از جهت دیگری به دو قسم مقارن و غیر مقارن بنابر تأخیر یا سبقت نسبت به موضوعات شرعی و اجتماعی تقسیم‌شدنی است.^{۲۷} همچنین از نگاه دیگر، عرف بنابر دقت یا مسامحه و بی‌دقتی و تخمین به دو قسم عرف دقیق و عرف مسامحی تقسیم می‌شود.^{۲۸} در تقسیمی دیگر نیز عرف به اعتبار تطبیق یا عدم تطبیق با احکام و دستورهای شارع مقدس به دو قسم صحیح و فاسد تقسیم می‌شود. عرف صحیح با دستورات شرع موافق است و برخی از دانشیان میان عرف صحیح و سیره عقلای فرقی قائل نیستند^{۲۹} و عرف فاسد نیز با شریعت مخالف است و باعث گمراهی و عقوبت می‌شود، هرچند در بین مردم رواج داشته باشد؛ مانند مشغول‌بودن مردم به لهو و لعب.^{۳۰}

۲.۱. کاربردهای عرف

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، عرف به دلیل کاربردهای مختلف و پرشمار خود، ازجمله مهم‌ترین مباحث فقهی به شمار می‌رود. برخی عرف را تابع یا ذخیره احتیاطی برای سایر ادله معرفتی کرده‌اند^{۳۱} و برخی دیگر نیز آن را هم‌ردیف سایر مدارک و منابع استنباط حکم شرعی قرار داده‌اند؛^{۳۲} آن دسته از کسانی که معتقدند عرف در کنار سایر ادله نمی‌تواند منبعی مستقل برای استنباط احکام شرعی قرار گیرد و عرف را تنها در خدمت سایر ادله و دارای نقش آلی و نه اصالی می‌پذیرند، کاربردهای مختلفی در نقش ابزار برای عرف ذکر می‌کنند. برای مثال، عرف می‌تواند مرجعی برای فهم مفاهیم مفردات به کاررفته در لسان ادله کاشف از حکم شرعی قرار گیرد. این کاربرد عرف برای همه پذیرفتنی است؛ چراکه قانونگذار برعهده ما وظایفی قرار داده و این وظایف را از طریق خطابات شرعیه به ما رسانده است و فهم ما از این خطابات را برای دانستن وظیفه و عمل به آن دارای حجت می‌داند.^{۳۳} همچنین از کاربردهای دیگر عرف به عنوان ابزار می‌توان مرجعیت آن برای برداشت از ادله را نام برد. برای مثال، در فهم خطباتی که به صورت مطلق یا مقید ذکر شده‌اند، مراجعه به عرف می‌تواند راهگشای درک و تشخیص این مطلب باشد یا برای درک مناسب

۲۶. واسعی، جایگاه عرف در فقه، ۴۴ تا ۴۵.

۲۷. منصوری، دراسة موضوعية حول نظرية العرف و دورها في عملية الاستنباط، ۵۵.

۲۸. خمینی، الرسائل، ۲۲۸/۱.

۲۹. فیض، مبادی فقه و اصول مشتمل بر: بخشی از مسائل آن دو علم، ۲۲۴.

۳۰. حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، ۴۲۱.

۳۱. عالی، نظام الدولة و القضاء و العرف في الاسلام: دراسة مقارنة، ۴۲۱.

۳۲. علیدوست، فقه و عرف، ۱۵۱.

۳۳. انصاری، المکاسب، ۲۳۴/۴.

میان حکم و موضوع می‌توان به عرف مراجعه کرد یا در مواردی که می‌خواهیم اولویت عرفی را تشخیص دهیم.^{۳۴} کاربرد دیگر که موجب اهمیت عرف در مباحث فقهی و اصولی شده، این است که در تطبیق مفاهیم عرفی بر مصادیق، به عرف مراجعه کنیم.^{۳۵} البته برخی فقیهان این کاربرد از کاربردهای متعدد عرف را زیر سؤال برده و مجالی برای عرف در تشخیص و تطبیق مفاهیم عرفی بر مصادیق در نظر نمی‌گیرند.^{۳۶} از دیگر کاربردهای غیراستقلالی عرف می‌توان به استفاده از عرف در قانونگذاری اشاره کرد.^{۳۷} تأثیر عرف در فرایند و نتیجه جعل، کیفیت و بیان حکم شرعی را نمی‌توان انکار کرد. همچنین شارع مقدس هم رویه دیگری را برای قانونگذاری به جز رویه معمول میان مردم اعلام نفرموده است، لذا از شیوه آنان برای جعل و اعلام احکام شرعی و ضوابط استفاده و تبعیت کرده است.

۲. اختلاف‌ها در استظهار عرف

باوجود اینکه هر فقهی هنگام استظهار نظر عرف ادعا می‌کند که وی توانسته نظر عرف در زمینه مربوطه را کشف کند اما در مواردی شاهد اختلاف میان نظرات هستیم. ذکر این قبیل موارد از آن جهت است که اگرچه فقیه بالوجدان نظر عرف را دریافته و آن را بدیهی معرفی کرده است، ولی ادعای این مورد ازسوی طرف‌های این اختلاف، لزوم وجود روش و چهارچوبی مشخص برای کشف نظر عرف را بیش‌ازپیش ضروری می‌سازد.

در بحث دلالت جمله شرطیه بر مفهوم، عده‌ای قائل به وجود مفهوم برای آن شدند؛ چراکه در وضع جمله شرطیه، قصد واضع این بود که شرط علتی انحصاری برای جزا باشد تا علیت منحصره در ذهن عرف متبادر شود و به همین دلیل هنگام انتفای شرط، نتیجه نیز منتفی می‌شود و در نتیجه، وجود مفهوم برای جمله شرطیه ثابت می‌شود.^{۳۸} در مقابل، برخی مانند آخوند خراسانی، صاحب کفایة الاصول، مدعی شده‌اند که جمله شرطیه، بر مفهوم دلالتی ندارد، مگر اینکه قرینه‌ای بر آن اقامه شود.^{۳۹}

درباره اینکه عرف چه چیزهایی را به‌عنوان مقومات مالیت قبول دارد، فقها دچار اختلاف شده‌اند؛ برخی از آنان در تحقق مفهوم مال، مورد رغبت بودن و ذخیره کردن آن برای زمان حاجت به آن را ذکر

۳۴. مددی، تقریرات درس خارج اصول، ۳۴۷، <https://mfef.ir/home/osulsh>، ۹۶/۰۹/۰۵.

۳۵. خمینی، کتاب البیع، ۳۸۱/۱؛ صاحب‌جواهر، جواهر الکلام، ۴۷/۲۲.

۳۶. نائینی، فوائد الاصول، ۵۷۴/۴.

۳۷. علیدوست، فقه و عرف، ۲۸۲.

۳۸. شهید ثانی، تمهید القواعد، ۱۱۰.

۳۹. خویی، محاضرات فی اصول الفقه، ۷۱/۵.

کرده‌اند^{۴۰} و برخی دیگر منفعت، مورد رغبت بودن و کمیابی را از ملزومات تحقق مفهوم مال ذکر کرده‌اند.^{۴۱} همچنین فقهای برطرف‌کننده نیازبودن و نیز ناشی از کاربودن را جزو مقومات مفهوم مال دانسته‌اند.^{۴۲}

در علم اصول در بسیاری از مباحث که بحث بر سر استظهار است، مانند ظهور افعال و... در واقع بحث در این است که عرف چه تشخیصی هنگام مواجه‌شدن با این موارد می‌دهد. برخی مدعی شده‌اند فهم عرف و قضاوت عقلا بر این است که صیغه «إِفْعَلْ» ظهور در وجوب دارد و هر جا به کار رفته باشد، بر وجوب حمل می‌شود و اراده استصحاب از آن قرینه خاص می‌طلبد و استعمال آن در این موارد ندبی، استعمال مجازی خواهد بود^{۴۳} اما به بیان برخی دیگر از فقها، صیغه امر برای جامع بین طلب بین وجوب و استصحاب وضع شده است ولی اگر به طور مطلق ذکر شود، وجوبی بودن طلب از آن فهم خواهد شد.^{۴۴} در تمسک به آیه «... وَ أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا...»^{۴۵} برای تصحیح بیع معاطاتی نیز برخی ادعای اطلاق برای آیه شریفه کرده‌اند؛ چراکه مولا در مقام بیان بوده و می‌خواسته است تمام معاملات بیع را تصحیح کند. بنابراین، بیع به غیر صیغه و... نیز که نام بیع بر آن‌ها اطلاق می‌شود را نیز می‌توان با اطلاق آیه شریفه تصحیح کرد^{۴۶} اما در اینجا نیز برخی دیگر، اطلاق آیه مذکور را قبول نداشته و مولا را در مقام بیان ندانسته‌اند.^{۴۷}

با اشاره به موارد بالا به عنوان نمونه‌ای از اختلافات میان فقها مشخص شد که تا چه اندازه‌ای نیازمند چهارچوبی برای تعیین دقیق‌تر استظهارات عرفی هستیم.

۳. آمار^{۴۸}

براساس تعریف انجمن آمار آمریکا، علم آمار عبارت است از علم یادگیری از داده‌ها، یادگیری از اندازه‌گیری و همچنین کنترل و تعامل با عدم قطعیت. تاریخچه آمار به قدمتی هزاران ساله باز می‌گردد. در

۴۰. خوبی، مصباح الفقاهة، ۳/۲.

۴۱. حکیم، نهج الفقاهة، ۳۲۵.

۴۲. ایروانی، حاشیه المکاسب، ۱۶۵/۱.

۴۳. آخوند خراسانی، کفایة الاصول، ۷۰.

۴۴. عراقی، نهایة الافکار، ۱۷۹/۱.

۴۵. بقره: ۲۷۵.

۴۶. غروی، حاشیه کتاب المکاسب، ۱۰۸/۱.

۴۷. فخر رازی، تفسیر مفاتیح الغیب، ۱۰۰/۷.

دوره باستان انسان‌ها نیاز داشتند تا اطلاعات مربوط به جمعیت، خراج و منابع را جمع‌آوری کنند. در حوزه سیاست، تاریخچه آمار به دوره یونان باستان باز می‌گردد، زیرا در آن زمان از آمار برای جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات سیاسی استفاده می‌شد.

در قرن شانزده پیشرفت‌های بسیار مهمی در علم آمار به وجود آمد که به‌عنوان نمونه می‌توان به مطالعات گرانث^{۴۹} درباره آمار حیاتی، بیمه و اقتصاد اشاره کرد. در دهه ۱۷۳۰، تعریف توزیع نرمال و سپس توسعه آن در سال‌های بعد، انقلابی بزرگ در عرصه علم آمار به شمار می‌رود. در اواخر قرن نوزدهم، مسائل مربوط به رگرسیون و هم‌بستگی توسعه یافت و در پژوهش‌های اجتماعی به کار برده شد. در قرن بیستم استنباط آماری گسترش یافت و درباره توزیع آماری نمونه و فاصله اطمینان پژوهش صورت گرفت و این موارد به آمار استنباطی راه یافتند. بعد از جنگ جهانی دوم نیز به موارد مربوط به آمار ناپارامتریک پرداخته شد تا بتوان جوامعی که توزیع نرمال ندارند و نمونه‌هایی کیفی با تعداد پایین دارند را بررسی کرد.^{۵۰}

تاریخچه آمار نشان می‌دهد که این علم از زمان‌های اولیه تا امروز تکامل یافته است و نقش مهمی در تحقیقات علمی، تصمیم‌گیری‌های سیاستی و تحلیل داده‌های بزرگ ایفا می‌کند. توسعه روش‌های آماری و فناوری‌های مرتبط به آمار در آینده نیز ادامه خواهد یافت و این علم بهبود و توسعه خواهد یافت تا به ما کمک کند تا داده‌ها را به بهترین شکل ممکن تحلیل و درک کنیم.

استفاده از آمار و داده‌های آماری و علم آمار در کشورهایی مانند ایران می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد. در واقع، اطلاعات آماری و داده‌های آماری در زمینه‌های مختلف، از جمله اقتصاد، بهداشت، آموزش، جمعیت‌شناسی و سایر زمینه‌ها برای تصمیم‌گیری‌های مهم در سطح کشوری و حتی محلی بسیار ارزشمندند. این اطلاعات می‌تواند به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کمک کند تا راهبردها و سیاست‌های بهتری را برای حل مسائل و بهبود وضعیت جامعه اتخاذ کنند.

اما برای استفاده مؤثر از داده‌های آماری در کشورهایی مانند ایران، چندین چالش وجود دارد که شامل موارد زیر می‌شود:

۱. دسترسی به داده‌های کامل و دقیق: در بسیاری از موارد، داده‌های آماری و اطلاعات مربوط در دسترس عموم نیستند یا کیفیت آن‌ها پایین است. این مسئله می‌تواند موجب کاستی در تجزیه و تحلیل صحیح اطلاعات شود.

49. Graunt.

۵۰. آذر، مؤمنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۸/۱.

۲. استانداردسازی و کیفیت داده‌ها: اطلاعات آماری باید استانداردسازی شوند تا بتوانند مقایسه‌پذیر باشند و به تصمیم‌گیران در ارزیابی وضعیت کمک کنند. این موضوع نیازمند بهبود فرایندهای جمع‌آوری و تحلیل داده‌هاست.

۳. آموزش و توانمندی‌سازی: استفاده از داده‌های آماری به‌طور مؤثر نیازمند داشتن توانمندی‌های تحلیلی و فنی در جامعه است. این شامل آموزش افراد در زمینه تحلیل داده‌ها و همچنین استفاده از ابزارهای مرتبط، مانند نرم‌افزارهای آماری است.

۴. حفظ حریم خصوصی و امنیت داده‌ها: در جمع‌آوری و استفاده از داده‌های آماری، حفظ حریم خصوصی افراد و امنیت داده‌ها بسیار مهم است و نیازمند سیاست‌ها و قوانین مربوط است. با این حال، باتوجه به توانمندی‌های موجود و با اعمال تلاش‌های لازم برای حل چالش‌های موجود، استفاده از داده‌های آماری و علم آمار در ایران نیز می‌تواند بهبود و پیشرفت بسیاری را برای جامعه ایجاد کند.

در یک تقسیم‌بندی کلی، علم آمار به دو شاخه اصلی تقسیم می‌شود؛ آمار توصیفی و آمار استنباطی که در ادامه به تبیین هرکدام می‌پردازیم. البته باید توجه داشت که باتوجه به گره‌خوردن ایده اصلی مقاله با شاخه استنباطی آمار، این قسم از آمار با تفصیل بیشتر بررسی خواهد شد.

۳.۱. آمار توصیفی^{۵۱}

شاخه‌ای از علم آمار است که در آن به سرشماری تمام عناصر جامعه می‌پردازد و در قالب شاخص‌هایی که به دو دسته مرکزی و پراکندگی تقسیم می‌شوند، اطلاعات مفیدی درباره جامعه در اختیار ما قرار می‌دهد. این شاخه از علم آمار درصدد است تا با ارائه تصویر اولیه از داده‌هایی که در ابتدا به‌صورت خام وجود دارد، محقق و آماردان یا کاربر را در درک بهتر از جامعه مورد بررسی یاری رساند. شاخص‌های عددی و محاسبه و تحلیل آن‌ها از مهم‌ترین مباحث در آمار توصیفی هستند که خود به سه نوع تقسیم می‌شوند: مرکزی، پراکندگی و پراکندگی نسبی.

شاخص‌های مرکزی، توصیف‌کننده مرکزیت داده‌هاست که عبارت‌اند از: میانگین، میانه و مد؛ میانگین به ما می‌گوید که در متوسط، داده‌ها به چه مقداری می‌رسند. میانگین معمولاً با جمع کردن تمام داده‌ها و تقسیم بر تعداد آن‌ها محاسبه می‌شود. میانگین می‌تواند نقطه مرجعی برای ارزیابی داده‌ها و مقایسه مجموعه‌های مختلف باشد. مد، بیانگر مقداری است که در مجموعه داده بیشترین بار تکرار

می‌شود. به عبارت دیگر، مد نشان می‌دهد که کدام عنصر یا مقدار در داده‌ها بیشترین تکرار را دارد. میانه نیز مقداری است که دقیقاً در وسط مجموعه داده قرار می‌گیرد، به طوری که نصف داده‌ها بزرگ‌تر از آن و نصف دیگر کوچک‌تر از آن هستند.^{۵۲}

همچنین شاخص‌های پراکندگی، میزان پراکندگی داده‌های جامعه را نسبت به مرکزیت خود نشان می‌دهند. این شاخص‌ها نشان می‌دهند که به چه میزان داده‌ها به مرکزیت خود متمایل هستند یا از آن انحراف دارند. دامنه تغییرات، اولین شاخص پراکندگی است که فاصله میان کم‌ترین و بیشترین داده را اندازه‌گیری و بیان می‌کند که حداکثر میزان پراکندگی داده‌ها چقدر است. «واریانس» دومین شاخص پراکندگی است که میزان متوسط اختلاف داده‌ها از میانگین را نشان می‌دهد و برای محاسبه آن باید ابتدا میانگین داده‌ها و میانگین مربع اختلاف هریک از داده‌ها نسبت به میانگین محاسبه شود. واحد واریانس به واحد مربع داده‌ها مربوط می‌شود. بنابراین، واریانس نشان می‌دهد که داده‌ها چقدر از میانگین پراکنده هستند. اگر واریانس بزرگ باشد، نشان‌دهنده این امر است که داده‌ها پراکنده‌تر هستند، درحالی‌که واریانس کوچک‌تر نشانگر پراکندگی کمتر است. مشکلی که برای واریانس وجود دارد، یکای آن است که مربع شده یکای اصلی است؛ به همین منظور اگر از واریانس جذری بگیریم، شاخص سوم به دست می‌آید که انحراف معیار نام دارد و شاخص خوبی برای سنجش پراکندگی داده‌ها نسبت به میانگین است.^{۵۳}

شاخص‌های دیگری در آمار توصیفی نظیر ضریب تغییرات و ضریب چولگی و ضریب کشیدگی و... نیز وجود دارد که اکنون فرصت توضیح تفصیلی آن‌ها وجود ندارد.

۳.۲. آمار استنباطی^{۵۴}

آمار استنباطی، شاخه‌ای از آمار است که برای استنتاج و نتیجه‌گیری درباره جامعه براساس داده‌های نمونه استفاده می‌شود. در آمار استنباطی، اطلاعاتی که از نمونه‌ها به دست می‌آید به منظور ارائه استنباط‌ها و تصمیم‌گیری درباره جامعه هدف استفاده می‌شود. علت‌های گوناگونی برای صرف‌نظر از سرشماری و رجوع به نمونه و تعمیم نتایج به کل وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: هزینه، به‌روزرسانی، صحت، زمان‌بر بودن، در دسترس نبودن و آزمون مخرب؛ قطعاً نمونه‌گیری از سرشماری هزینه کمتری خواهد داشت، به طوری که اگر بخواهیم مثلاً از همه افراد جامعه مد نظر درباره سؤال تحقیق، که برای مثال میزان تحصیلات یا حقوق یا... است، مصاحبه بگیریم، هزینه بسیار هنگفتی را باید صرف نیروی انسانی،

52. Blommers & Forsyth, Elementary Statistical Methods in Psychology and Education, 332.

۵۳. آذر، مؤمنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۱۵/۲.

تجهیزات، رفت‌وآمد و... کنیم تا به پاسخ برسیم. همچنین زمان بسیار زیادی باید تخصیص داده شود تا از همه پرسش به عمل آید و سرشماری انجام شود و به همین دلیل است که این کار با فواصل زمانی زیادی از هم ممکن است صورت گیرد، مثلاً سالی یک بار و این باعث می‌شود تا اطلاعات به‌روزی در دسترس نباشد، به‌خصوص در دنیای امروز که پویایی‌های ناشی از عوامل گوناگون به‌صورت لحظه‌ای جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بنابراین، با استفاده از نمونه‌گیری می‌توان به‌طور مداوم سنجش را انجام داد. همچنین برای سرشماری ممکن است اصلاً برخی از اعضای جامعه در فواصل بسیار دوری باشند یا اصلاً اکنون موجود نباشند و به همین دلیل نمی‌توان سرشماری را ولو با صرف هزینه و زمان زیاد صورت داد. دلیل دیگر نیز این است که گاهی با انجام آزمایش مانند کنترل کیفیت، عنصر جامعه مورد آزمایش از بین می‌رود؛ در این صورت اگر بخواهیم سرشماری کنیم، به‌طورکلی تمام اعضای جامعه از بین خواهد رفت و نقض غرض صورت خواهد گرفت. بنابراین، گریزی از نمونه‌گیری و تعمیم نتایج وجود ندارد. همین نقاط ضعف اشاره‌شده در آمار توصیفی سبب ابداع و پیشرفت آمار استنباطی شد.^{۵۵}

حال که به اهمیت نمونه‌گیری پی بردیم، باید گفت: راه‌های مختلفی برای نمونه‌گیری وجود دارد. در ابتدا این نکته حائز اهمیت به شمار می‌رود که نمونه خوب، نمونه‌ای است که به‌صورت تصادفی انتخاب شود؛ یعنی اساس احتمالات و آمار استنباطی مبنی بر این است که عنصر نمونه به‌صورت تصادفی انتخاب شده است اما گاهی با استفاده از برخی تکنیک‌ها می‌توان کاری کرد که نمونه انتخاب‌شده به‌صورت تصادفی، به شکل بهتری بیانگر جامعه باشد. به بیان دیگر، در آمار استنباطی، که هدف تعمیم نمونه به جامعه است، نمونه خوب نمونه‌ای است که بهتر خواص جامعه را در خود داشته باشد و بهتر نمایاننده جامعه باشد و این تکنیک‌ها باعث می‌شود تا این خصوصیت در نمونه انتخاب‌شده تقویت شود. در ادامه به سه تکنیک از مهم‌ترین تکنیک‌های نمونه‌گیری که پژوهشگر را در اخذ نمونه بهتر از جامعه یاری می‌کند اشاره می‌شود:^{۵۶}

۱. **نمونه‌گیری سیستماتیک:** یک روش نمونه‌گیری است که در آن نمونه‌ها با یک الگوی منظم از جامعه یا فهرست هدف انتخاب می‌شوند. در این روش، محقق یک قاعده یا الگوی مشخص را برای انتخاب نمونه‌ها اعمال می‌کند. نمونه‌گیری سیستماتیک مزایایی مانند نمونه‌گیری تصادفی و همچنین حفظ ترتیب و نظم در انتخاب نمونه‌ها دارد.

۲. **نمونه‌گیری گروهی:** در این روش نمونه‌گیری جامعه به گروه‌های کوچک‌تری تقسیم می‌شود که

افراد هر گروه دارای ویژگی‌های مشابهی هستند. پس از این تقسیم صورت گرفته، تعداد نمونه نسبت به هر گروه تعیین و نمونه‌گیری از هرکدام از گروه‌ها انجام می‌شود. نمونه‌گیری گروهی، از مزایای زمانی و هزینه‌ای برخوردار است، زیرا جامعه به گروه‌های کوچک‌تر تقسیم می‌شود و تنها گروه‌های انتخاب‌شده نیاز به بررسی جزئی‌تر دارند. همچنین، این روش می‌تواند مفید باشد اگر دسترسی به تمام اعضای جامعه مورد سختی قرار بگیرد. برای مثال، در مطالعاتی که نیاز به مصرف زمان و هزینه زیاد دارند.

۳. نمونه‌گیری خوشه‌ای: هرگاه تمام اعضای جامعه در دسترس نباشند و جامعه بسیار بزرگ باشد، می‌توان از این روش استفاده کرد؛ به این صورت که ابتدا جامعه به چند خوشه تقسیم‌بندی می‌شود و بعد یک یا چند خوشه به صورت تصادفی انتخاب می‌شود و پس از آن از میان خوشه‌های تصادفی انتخاب‌شده، تعدادی عنصر به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند. در این روش، انتخاب مناسب خوشه‌ها و تعیین تعداد مناسب آن‌ها نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است. اگر خوشه‌ها به طور اشتباه انتخاب شوند یا تعداد آن‌ها کافی نباشد، نتایج نمونه‌گیری خوشه‌ای ممکن است تبعیضی یا ناصحیح باشند.

گفته شد تحلیل در آمار به دو صورت انجام می‌شود: یا از طریق سرشماری اعضای جامعه و استفاده از فنون آمار توصیفی یا با استفاده از نمونه‌گیری و تعمیم نتایج حاصل از نمونه به کل جامعه و بهره‌گیری از آمار استنباطی؛ آمار استنباطی شامل فنون تخمین آماری و آزمون فرضیه‌هاست. اینکه از کدام راه به استنباط پردازیم به سؤال تحقیق بستگی دارد. در این قسمت به هرکدام از این دو دسته فنون آمار استنباطی اشاره خواهد شد. همچنین باید اشاره شود که در موضوع مورد بررسی ما؛ یعنی استظهار عرف از طریق آمار استنباطی، با فرضیه تحقیق مواجه هستیم؛ یعنی فقیه یا مکلف حدسی عالمانه دارد درباره اینکه چه چیزی مورد پذیرش عرف است و با استفاده از فنون آزمون فرض آماری درصدد است تا فرضیه خود را تأیید یا رد کند.

۳.۳. تخمین آماری

تخمین آماری به معنای برآورد کردن یک پارامتر^{۵۷} یا ویژگی مدّ نظر در جامعه براساس اطلاعاتی (آماره‌ای)^{۵۸} است که از نمونه‌ای از جامعه به دست می‌آید. هدف از تخمین آماری، تخمین تقریباً دقیق و قابل اعتماد مقدار واقعی پارامتر یا ویژگی در جامعه است.

57. Parameter.

شاخص به دست آمده از جامعه آماری را با استفاده از همه‌شماری، پارامتر گویند.

58. Statistic.

شاخص به دست آمده از یک نمونه n تایی از جامعه را آماره می‌نامند.

برای انجام تخمین آماری، ابتدا نمونه‌ای از جامعه برداشت می‌شود. سپس براساس اطلاعات موجود در نمونه، تخمینی از مقدار پارامتر یا ویژگی مدّ نظر در جامعه به دست می‌آید. این تخمین معمولاً به صورت نقطه‌ای (تخمین نقطه‌ای)^{۵۹} یا بازه‌ای (تخمین بازه‌ای یا فاصله‌ای)^{۶۰} ارائه می‌شود. برای تخمین نقطه‌ای، یک تابع از داده‌های نمونه استفاده می‌شود تا تخمینی از مقدار واقعی پارامتر یا ویژگی محاسبه شود، مثلاً میانگین نمونه می‌تواند تخمینی از میانگین جامعه باشد. تخمین نقطه‌ای برای تخمین پارامتر مدّ نظر جامعه مفید نیست؛ چراکه احتمال یک نقطه در یک بازه برابر صفر خواهد بود. تخمین بازه‌ای به جای ارائه یک عدد، یک بازه اطمینان برای مقدار واقعی پارامتر یا ویژگی ارائه می‌دهد. برای مثال، میانگین نمونه همراه با بازه اطمینان ۹۵٪ می‌تواند تخمینی از میانگین جامعه باشد.^{۶۱}

تخمین آماری باید با استفاده از روش‌های آماری صحیح و مناسبی انجام شود و باید مراقب بررسی دقت و اعتبار تخمین‌های خود بود. همچنین، نمونه‌گیری مناسب و اندازه‌گیری دقیق و جامع اطلاعات نمونه نیز از مباحث مهم در تخمین آماری است.

۴.۳. آزمون فرض آماری

مجموعه فنون دیگری که در آمار استنباطی برای تعمیم نتایج حاصل از نمونه (آماره) به جامعه (پارامتر) از آن استفاده می‌شود، مجموعه فنون آزمون فرض آماری است که در آن پژوهشگر یک حدس عالمانه را به عنوان فرضیه خود در نظر می‌گیرد و طی گام‌هایی که اشاره خواهد شد، مورد آزمون قرار می‌دهد تا ببیند فرضیه وی تأیید یا رد می‌شود.^{۶۲} برای اینکه امکان دارد فرضیه یادشده از سوی پژوهشگر درست یا نادرست باشد، دو فرضیه در نظر گرفته می‌شود: یکی فرضی که ادعای صحیح را مطرح می‌کند و آن را با H_0 نشان می‌دهند و دیگر فرضیه مکمل آن که نقیض آن را مطرح می‌کند و با H_1 نمایش داده می‌شود. از جمله مهم‌ترین اقداماتی که پژوهشگر باید در این راستا انجام دهد این است که فرضیه خود را در قالب آزمون فرض آماری صورت‌بندی کند؛ یعنی با توجه به فرضیه خود تشخیص دهد که H_0 و H_1 کدام است. گاهی گفته می‌شود که ادعا همان فرض صفر و نقیض آن فرض یک است و براین اساس باید صورت‌بندی فرضیات را انجام داد اما با کمی دقت می‌توان گفت: مهم‌ترین قاعده‌ای که باید در صورت‌بندی فرضیه از آن تبعیت کرد، قاعده آزمون‌پذیری H_0 است. به بیان دیگر، آن فرضی H_0 است که

59. Point estimation.

60. Interval estimation.

61. Fabian & Hannan, Introduction to Probability and Mathematical Statistics, 217.

62. Mendenhall & Reinmuth & Beaver, Statistics for Management and Economics, 833.

دارای تساوی باشد و H_0 همواره دربرگیرنده تساوی است و در مقابل نقیض آن؛ یعنی H_1 خواهد بود. در گام بعدی باید سطح معناداری که همان خطای نوع اول است تعیین شود. این مقدار که با α نمایش داده می‌شود بیانگر میزان احتمال آن است که H_0 درست باشد اما رد شود. به بیان دیگر، در آزمون فرض، فرض H_0 را رد کنیم. اگر احتمال وقوع مقدار حاصل شده از آزمون آماری برابر یا کمتر از مقدار سطح معناداری یا همان α باشد، مقدار مرسوم برای انتخاب سطح معناداری 0.01 و 0.05 است که بسته به میزان حساسیت موضوع، این مقدار ممکن است تغییر کند.^{۶۳}

همچنین در این مرحله باید حجم نمونه نیز تعیین شود. میزان حجم نمونه به عوامل مختلفی بستگی دارد، از جمله: مقیاس متغیر که کیفی یا کمی است؛ دقت برآورد که نشان‌دهنده میزان دقتی است که تصمیم‌گیران مدنظر دارند؛ انحراف معیار جامعه که اگر جامعه دارای پراکندگی بیشتر باشد، برای تعمیم آماره به پارامتر نیازمند نمونه بزرگتری هستیم تا بتواند بهتر خواص جامعه را در خود داشته باشد؛ سطح اطمینان و همچنین اندازه جامعه. باتوجه به این عوامل، رابطه تحت‌عنوان رابطه کوکران مطرح می‌شود که براساس آن می‌توان اندازه نمونه را به دست آورد:^{۶۴}

$$n = \left(\frac{Z_{\alpha/2} * \sigma_x}{\varepsilon} \right)^2$$

فرمول یادشده در صورتی است که جامعه نامحدود یا به عبارت دیگر جامعه بزرگ باشد؛ اما اگر جامعه نامحدود بود، باید از رابطه زیر برای تعیین حجم نمونه استفاده کرد:^{۶۵}

$$n = \frac{N * Z_{\alpha/2}^2 * \sigma_x^2}{(N - 1) \varepsilon^2 + Z_{\alpha/2}^2 * \sigma_x^2}$$

البته در حال حاضر از نرم‌افزارهای اختصاصی برآورد حجم نمونه نسبت به حجم جامعه، نظیر G-Power و Sample Power استفاده می‌شود.

در مرحله بعد باید باتوجه به پارامتر مدنظر، آماره مناسب را انتخاب کرد و مقدار بحرانی^{۶۶} تعیین شود؛ یعنی برحسب نوع آماره، آزمون مقدار استاندارد از جدول مربوطه به عنوان مقدار بحرانی استخراج و مقدار

63. Newbold & Carlson & Thorne, Statistics for Business and Economics, 461.

۶۴. آذر و مومنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۷۳/۲.

۶۵. آذر و مومنی، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ۷۳/۲.

66. Critical Value.

آماره محاسبه می‌شود و باتوجه به سطح معناداری تعیین شده در گام قبل، وضعیت آماره نسبت به نقطه بحرانی و سطح معناداری سنجیده می‌شود و پس از مقایسه، اگر مقدار محاسبه شده در ناحیه H_0 قرار گیرد، شواهد حاصل از نمونه‌ها در سطح اطمینان مورد نظر تأییدکننده H_0 خواهند بود و در غیر این صورت، شواهد حاصل از نمونه‌ها در سطح معناداری α تأییدکننده H_1 است.^{۶۷}

در مسئله مدّ نظر ما؛ یعنی استظهار عرف از طریق آمار استنباطی، همان‌طور که گفته شد فقیه یا مکلف یک حدس عالمانه در باب اینکه نظر عرف در باره موضوع مدّ نظر چیست، در نظر می‌گیرد؛ پارامتر مناسب برای این‌گونه مسائل، P ؛ یعنی میزان موفقیت خواهد بود و آماره متناسب با آن نیز $\bar{P}$ است. حال H_0 را می‌توان بزرگ‌تر از $۰/۵$ در نظر گرفت. اگر منظورمان از نظر عرف این باشد که بیش از نیمی از افراد جامعه به موضوع یادشده معترف و هم‌نظر باشند یا می‌توان میزان آن را تغییر داد، در این صورت آزمون از نوع یک دنباله به چپ خواهد بود. حال میزان α به‌گونه‌ای تعیین می‌شود تا فقیه یا مکلف اطمینانی هرچه بیشتر نسبت به نتیجه حاصل کند. این بحث در ادامه در راستای حجیت نتیجه در صورت یقینی‌بودن یا اطمینان بخش بودن به کار خواهد آمد و به‌طور مبسوط بحث خواهد شد. پس از آن، آماره مربوطه؛ یعنی $\bar{P}$ محاسبه و مقدار بحرانی هم مشخص می‌شود و از مقایسه موارد یادشده، فرضیه رد یا تأیید می‌شود؛ یعنی مشخص می‌شود که مثلاً بیش از ۵۰ درصد افراد جامعه مدّ نظر به موضوع مورد بحث اقرار دارند یا خیر؟

۴. تطبیق

حال باید به سؤال اصلی مقاله پاسخ داد که آیا می‌توان از ظرفیت آمار استنباطی برای گریز از محدودیت‌های سرشماری برای به‌دست آوردن نظر عرف در مصادیق احکام شرعیه استفاده کرد یا خیر؟ اولین نکته‌ای که شایان ذکر است این است که فقها در بیان نظر خود از عرف معمولاً از جهت احساسی و نه ادراکی نکته‌ای را به عرف نسبت می‌دهند؛ یعنی این‌گونه نیست که اگر با حساب احتمالات محاسبه کنیم، اغلیبیت لزوماً هم‌نظر با فقها خواهند بود به‌گونه‌ای که مورد مشکوک را نیز بتوان به اغلب ملحق کرد، بلکه انسان برحسب طبیعتی که دارد اگر یک چیز را برای دو یا چند بار مشاهده کند، این اتفاق در نفس او اثر می‌گذارد و با همان احساس برآمده از این مشاهدات، متعلق مشاهدات خود را به کل تعمیم می‌دهد.^{۶۸} در این‌باره باید گفت که: می‌توان تناظری جهت احساسی و تصمیم‌گیری مبتنی بر شهود^{۶۹} برقرار کرد.

67. Shavelson, Statistical Reasoning for the Behavioral Sciences, 409.

۶۸. سیستانی، القواعد الفقهية، ۲۰۹ تا ۲۱۱.

69. Intuitive decision making.

تصمیم‌گیری مبتنی بر شهود، گونه‌ای از تصمیم‌گیری است که از عقلانیت^{۷۰} فاصله دارد و مدیران اغلب در صورت عدم برخورداری از شواهد،^{۷۱} داده‌ها^{۷۲} و اطلاعات^{۷۳} کافی به این نوع تصمیم‌گیری روی می‌آورند. سایمون، دانشمند علم مدیریت، رویکرد شهودی را استفاده از تجارب گذشته می‌داند که در حافظه فرد باقی مانده و هنگام تصمیم‌گیری بازایی می‌شود.^{۷۴} در این نوع از تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیرنده یا مدیر ابتدا باتوجه به علاقه و سلیقه خود گزینه را انتخاب می‌کند و در ادامه، آن را برای اقدام در پیش می‌گیرد.^{۷۵} در برابر این نوع تصمیم‌گیری، تصمیم‌گیری مبتنی بر داده^{۷۶} مطرح می‌شود که می‌توان آن را متناظر با جهت ادراکی در نظر گرفت. در تصمیم‌گیری مبتنی بر داده، داده‌ها براساس اهداف جمع‌آوری و پردازش شده و اطلاعات و دانش‌های مورد نیاز از دل آن‌ها استخراج می‌شود و مبنای تصمیم‌گیری قرار خواهد گرفت.^{۷۷} این نوع تصمیم‌گیری از اتقان بیشتری برخوردار است و می‌تواند ضامن تصمیم و اقدام نزدیک‌تر به حقیقت شود.^{۷۸} در زمینه استظهار عرف نیز باید گفت که: با بهره‌گیری از آمار استنباطی و اتخاذ جهت ادراکی و رویکرد داده‌محوری می‌توان به حقیقت نزدیک شد.

ازسوی دیگر، به دلیل محدودیت‌های سرشماری، آمار استنباطی با استفاده از نمونه‌گیری به تعمیم نتایج حاصل از برآوردهای نمونه به کل، تحت شرایط و ضوابطی خاص و علمی و مبتنی بر محاسبات آماری و عقلی می‌پردازد. شاید ازسوی عده‌ای خدشه وارد شود که این روش علمی، در دایره استقرا قرار می‌گیرد و مبتنی بر فقه امامیه، استقرا نیز مانند قیاس حجت ندارد و برای استنباط حکم شرعی نمی‌توان از آن استفاده کرد.^{۷۹} در پاسخ باید گفت که: باتوجه به خطای بسیار پایین در نتایج مربوط به آمار استنباطی و همچنین توالد ذاتی و موضوعی دلیل استقرایی و مطابق با حساب احتمالات، دلیل استقرایی نیز می‌تواند مورد یقین واقع شود؛ به این بیان که در دلیل استقرایی می‌توان با تکرار آزمایش‌ها که در اینجا هم‌ارز با افزایش تعداد نمونه‌هاست، تصدیق ظنی قوی ایجاد کرد و پس از آن، از تصدیق به وجود آمده، که احتمال صدق آن به

70. Rationality.

71. Evidence.

72. Data.

73. Information.

74. Intuition and Emotion. Academy of Management Perspectives, 57-64.

75. Daft, Theory and Design, 154.

76. Data driven decision making

77. Provost & Fawcett, Data Science for Business: What You Need to Know about Data Mining and Data-Analytic Thinking, 35.

۷۸. ایرج، سهرابی، علم داده: مفاهیم و مهارت‌ها، ۹۷.

۷۹. محقق حلی، معارج الاصول، ۲۲۰.

دلیل بالارفتن تکرار آزمایشات زیاد شده، یقین به نتیجه متولد می‌شود.^{۸۰}

ازسوی دیگر، حجیت ظن انسدادی مطرح می‌شود؛ به این بیان که سرشماری به دلیل محدودیت‌هایی که دارد؛ اعم از زمان، هزینه و... امکان‌پذیر نیست و همین مسئله همان‌طور که گذشت مبنای آمار استنباطی و ابداع آن بوده است؛ لذا راه رسیدن به قطع و یقین با استفاده از سرشماری محال و غیرممکن است. در چنین شرایطی که نمی‌توان به واقع و حکم واقعی دست یافت و مکلف نیز نمی‌تواند بدون تکلیف و همراه با تحیر در مقام عمل بماند، لذا شارع ما را متعبد نسبت به عمل به ظن کرده است.^{۸۱} اما باید گفت که جعل حجیت برای ظنون هنگام انسداد طریق واقعیت در این مسئله کاربردی ندارد؛ چراکه مقدمات دلیل انسداد بر فرض تمامیت، چه بنابر کشف چه بنابر حکومت، موضوعات یا متعلقات احکام را اثبات نمی‌کنند.

نکته دیگر این است که وقتی فقیه یا مجتهد نسبت به عرفی بودن موضوعی حکم می‌کند، در واقع وجدان خود را گرچه با رویکرد احساسی بیان می‌کند که ممکن است مصاب به واقع باشد یا از جهل مرکب ناشی شده باشد، ولی در هر صورت نسبت به وجدان خود قطع دارد. اینکه فقیه امری را وجدانی می‌داند؛ یعنی احتمال خطا در آن نمی‌دهد و حجیت آن در حق وی به صورت ذاتی خواهد بود؛^{۸۲} یعنی قطع وی در حق او حجیت دارد و این حجیت از ذات قطع است و از آن جدا نمی‌شود و شارع نمی‌تواند حجیت را از قطع وی جدا کند؛ چراکه نسبت به آن علم و حتی بالاتر از آن (وجدان) ادعا شده و این علم وی برای او تکلیف آور خواهد بود و همراه با منجزیت و معذرت در حق اوست. حال، اگر با استفاده از آمار استنباطی و آزمون فرض، فرضیه‌ای را مطابق نظر فقیه، که ادعای وجدانی بودن آن را کرده است، قرار دهیم (H_0) و نقیض آن را نیز معادل نقیض فرض قرار دهیم (H_1) و سپس با استفاده از روش‌شناسی آماری به بررسی فرض پردازیم و فرضیه تأیید شود، روش علمی و امر وجدانی فقیه یکدیگر را تأیید کرده و نظر وی تقویت خواهد شد. اما مسئله اینجاست که اگر نتیجه آزمون فرض با ادعای فقیه در تضاد و تناقض بود، باید چه کرد؟ همان‌طور که گفته شد، وجدانی بودن ادعای فقیه در حق وی حجیت ایجاد می‌کند و شارع نمی‌تواند حجیت ذاتی قطع وی را از او جدا کند و آمار استنباطی هم به دلیل قرارداشتن در دایره ظنون دارای حجیت نیست اما در اینجا می‌توان با استفاده از آمار استنباطی و نتایج حاصل از آن، پایه‌های قطع فقیه یا

۸۰. صدر، الأسس المنطقية للاستقراء، ۱۶۸ تا ۱۵۶.

۸۱. طباطبایی حکیم، المحکم فی اصول الفقه، ۱۵۳/۳؛ خمینی، تحریرات فی الاصول، ۱۰۵/۳.

۸۲. خویی، مصباح الاصول، ۳۵۱/۳.

مكلف را متزلزل کرد.^{۸۳} در این فرض با استفاده از روش علمی، نتیجه‌ای برخلاف ادعای فقیه به دست آمد و باعث شد تا وی در درست و مطابق با واقع بودن وجدانیات خود تشکیک کند. در این صورت، امر وجدانی وی نیز در دایره ظنون، وارد و از حجیت ساقط می‌شود. ازسوی دیگر، استقرا و نتیجه آمار استنباطی نیز دارای حجیت نیست و مكلف نیز نمی‌تواند متحیر باشد و اینجاست که متمسک به اصول عملیه می‌شود. اصول عملیه، مجموعه قواعدی هستند که در صورت خالی شدن دست فقیه از ادله و شک در حکم شرعی و تکلیف عملی، ازسوی شارع برای آن جعل حجیت صورت گرفته است تا وظیفه مكلف روشن شود؛^{۸۴} یعنی در این هنگام فقیه برای روشن شدن وظیفه عملی به سراغ اصول عملیه مطابق با موضوع مورد بررسی خود می‌رود. برای مثال، شخصی را فرض کنید که می‌خواهد بداند آیا یک موسیقی خاص از مصادیق غنا به شمار می‌رود یا خیر و نیز خود به وجدان خود می‌یابد که این موسیقی از منظر عرف، از مصادیق غناست. حال، اگر وی به سراغ آمار استنباطی رود و مشخص شود که این موسیقی از مصادیق غناست که یقین وی مورد تقویت واقع می‌شود و اگر نتیجه آمار استنباطی؛ یعنی نمونه‌گیری و تعمیم آن به کل، این شود که این موسیقی از مصادیق غنا نیست، باتوجه به اینکه آمار استنباطی در دایره ظنون قرار دارد و نتیجه آن در حق مكلف حجیت ندارد، نمی‌تواند برای تولید حجیت در باب غنائبودن این موسیقی به نتیجه نمونه‌گیری و تعمیم آن به کل متمسک جوید اما پایه‌های قطع اولیه وی نسبت به نظر عرف متزلزل می‌شود و قطع وی از دایره قطع خارج و ملحق به دایره ظنون می‌شود. حال مكلف با دو ظن که هیچ‌یک در حق او حجیت ندارد، باقی می‌ماند و از طرفی هم نمی‌تواند متحیر باقی بماند، لذا باید به اصول عملیه مراجعه کند که این مسئله مجرای برائت شرعیه خواهد بود و با اجرای برائت حکم به غنائبودن آن موسیقی خاص می‌کند.

در میان عرف‌های مختلف، عرف خاص به‌منظور استفاده از ابزار آمار استنباطی برای استظهار عرف مناسب‌تر است؛ در تفکیک بین عرف عام و عرف خاص بیان شد که عرف عام در میان اهل یک سرزمین یا دین یا مذهب رواج دارد و بر سر آن توافق وجود دارد و عرف خاص در منطقه‌ای خاص یا در زمانی خاص پذیرفته شده است. حال، اگر بخواهیم نمونه‌گیری کرده و مطابق با قوانین و قواعد آمار استنباطی نتیجه را به کل تعمیم دهیم، به دلیل اینکه در عرف خاص تعداد اعضای جامعه کم‌تر می‌شود و به تعبیری، جامعه محدود بوده و باتوجه به توافق این جامعه محدود بر سر موضوع مدّ نظر، واریانس یا انحراف معیار جامعه کم‌تر است و نمونه با دقت بیشتری می‌تواند پارامتر مورد نیاز از جامعه را هدف‌گیری کند و نتیجه

۸۳. صدر، دروس فی علم الاصول، ۶۸/۱.

۸۴. مظفر، اصول الفقه، ۲۳۴/۲.

درست‌تری را به ما نشان دهد.

نتیجه‌گیری

توجه به رویکردهای شواهدمحور^{۸۵} به جای رویکردهای شهودی، ازجمله مهم‌ترین تغییرات در پارادایم‌های تصمیم‌گیری است که در اغلب رشته‌ها و زمینه‌های علمی به آن توجه می‌شود. یکی از حوزه‌هایی که نباید از این غافله عقب بماند، حوزه فقه و اصول است. گرچه استفاده از شواهد و مدارک نظیر استنباط از ادله اربعه از ابتدای پیدایش این علوم توأمان وجود داشته‌است، اما استفاده از شواهدی نظیر آمارهای عینی به جای تکیه بر شواهد ذهنی و تجربیاتی که امکان به‌وجودآمدن جهل مرکب در آن‌ها زیاد است، ضروری به نظر می‌رسد. ازجمله مباحثی که فقیه یا مکلف می‌تواند از رویکرد شواهدمحور یا داده‌محور به جای تکیه بر شهود خود استفاده کند، مسئله استظهار عرف است که به‌وسیله آمار استنباطی و اخذ نمونه و آزمون فرض آماری می‌توانند فرضیه خود را درباره نسبت‌دادن یک حقیقت به عرف بسنجند و فرضیه خود را رد یا تأیید کنند.

هنگام استفاده از آمار استنباطی می‌توان ضریب اطمینان را تا ۹۵ یا حتی ۹۹ درصد بالا برد که به‌معنای این است که می‌توان خطا را تا ۵ یا حتی ۱ درصد کاهش داد. اینجا اطمینانی نسبت به مسئله حاصل می‌شود که می‌تواند طبق نظریه توالد ذاتی و موضوعی دلیل استقرایی، این اطمینان از دلیل استقرایی نیز مورد یقین واقع شود و از آنجاکه حجیت قطع ذاتی است، نتیجه آزمون فرض آماری نیز می‌تواند در حق او حجیت داشته باشد.

اگر مورد یقین واقع‌شدن دلیل استقرایی را باتوجه به امکان کاهش خطای آزمون فرض آماری تا حد یک درصد نپذیریم و هنوز هم نتایج مربوط به آمار استنباطی را به‌دلیل نمونه‌گیری و تعمیم نتایج جز به کل و همراه‌بودن آن با خطای همیشگی ولو کوچک را در دایره ظنیات به شمار آوریم و آن را فاقد حجیت بدانیم، باید گفت: حداقل نتیجه این است که می‌تواند درصورت رد فرضیه فقیه یا مکلف مبنی بر نسبت‌دادن نظر عرف به یک حقیقت، پایه‌های قطع فقیه یا مکلف متزلزل شود و از این راه، فرض وی نیز وارد دایره ظنیات شود که در این صورت باید بنابر اقتضای مسئله به اصل عملیه مناسب مراجعه شود.

هنگام انعقاد چندین عرف نیز باید به عرف عام مراجعه کرد؛ یعنی اگر در موضوعی چندین عرف منعقد شود، به‌دلیل اینکه خطابات شارع مقدس القای به عموم شده، باید عرف عام را ملاک قرار داد. برای مثال، در قضیه جنون، عرف عام به برخی از افراد لفظ مجنون اطلاق می‌کند اما در روان‌شناسی به طیف زیادی از

افراد مجنون می‌گویند که هریک از یک منظر خاص علمی که در آن علم مورد بحث قرار می‌گیرد، مجنون شناخته می‌شوند. در چنین مواردی که با تعدد عرف عام و خاص مواجه هستیم، عرف عام ملاک خواهد بود؛ چراکه مخاطب شارع عموم هستند. در این صورت باید علی‌رغم پاسخ‌گویی بهتر عرف خاص به نتایج آمار استنباطی که پیش‌تر اشاره شد، عرف عام را ملاک قرار داد و فرایند نمونه‌گیری و تعمیم به کل را با توجه به آن انجام داد.

منابع

قرآن کریم

- آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین. کفایة الاصول. به تحقیق مؤسسة آل البيت (ع) لاحیاء التراث. قم: آل البيت (ع). چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- آذر، عادل، منصور مؤمنی. آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: سمت. ۱۳۹۱.
- آذر، عادل، منصور مؤمنی. آمار و کاربرد آن در مدیریت. تهران: سمت. ۱۳۹۶.
- ابن فارس، احمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. بیروت: دار الفکر. ۱۳۹۹ق.
- اصفهانى، محمدحسین. حاشیه کتاب المکاسب. به تحقیق شیخ عباس محمد آل سباع. قم: دار المصطفی (ص) لاحیاء التراث. ۱۴۱۹ق.
- الافنى، محمدجبر. «العرف: بحث فقهيّ مقارن». مجموعه مقالات مؤتمر اسلامي جده. ۱۴۰۹ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. کتاب المکاسب. قم: الهادی. ۱۴۱۹ق.
- ایرج، حمیده، بابک سهرابی. علم داده: مفاهیم و مهارت‌ها. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی تهران. ۱۳۹۵.
- ایروانی، علی. حاشیه المکاسب. تهران: کیا. ۱۳۸۴.
- بحرانی، محمدصنقر علی. المعجم الاصولی. قم: نقش. ۱۴۲۶ق.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش. ۱۳۷۴.
- حکیم، محسن. نهج الفقاهة. به تحقیق جواد قیومی اصفهانی. قم: دار الفقه. ۱۳۷۹.
- حکیم، محمدتقی. الاصول العامة للفقہ المقارن. به تصحیح مجمع جهانی اهل بیت (ع). قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع). ۱۴۱۸ق.
- خرازی، سیدمحسن. «حقیقت عرف و اقسام و مبادی آن»، مجموعه مقالات کنگره نقش زمان و مکان در اجتهاد. ۱۳۷۴.
- خمینی، روح الله. الرسائل. قم: اسماعیلیان. ۱۴۱۰ق.
- خمینی، روح الله. کتاب البیع. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ۱۴۲۱ق.
- خمینی، مصطفی. تحریرات فی الاصول. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). ۱۴۱۸ق.
- خویی، ابوالقاسم. دراسات فی علم الاصول. گردآوری سیدعلی هاشمی شاهرودی. قم: مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی. ۱۳۸۴.
- خویی، ابوالقاسم. محاضرات فی اصول الفقه. قم: انصاریان. ۱۴۱۰ق.
- خویی، ابوالقاسم. مصباح الاصول. گردآوری محمدسرور واعظ حسینی. قم: داوری. ۱۴۲۲ق.
- خویی، ابوالقاسم. مصباح الفقاهة. گردآوری محمدعلی توحیدی تبریزی. قم: انصاریان. چاپ دوم، ۱۴۱۷ق.

- راغب اصفهانی. حسین بن محمد. مفردات الفاظ قرآن. قم: ذوی القربی. ۱۳۸۳.
- سیستانی، علی. القواعد الفقهية. گردآوری سیدهاشم هاشمی. قم: دار التفسیر. ۱۴۴۱ق.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی. الموافقات. گردآوری بن حسن آل سلمان. قاهره: دار ابن عفان. ۱۴۱۷ق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی. تمهید القواعد. گردآوری مکتب الإعلام الإسلامی. قم: مکتب الإعلام الإسلامی. ۱۴۱۶ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. گردآوری عباس قوچانی. بیروت: دار إحياء التراث العربی. چاپ هفتم، ۱۳۶۲.
- صدر، محمدباقر. الأسس المنطقية للاستقراء. بیروت: دار التعارف. ۱۴۰۶ق.
- صدر، محمدباقر. دروس فی علم الاصول. گردآوری لجنة التحقيق التابعة للمؤتمر العالمي للامام الشهيد الصدر. قم: دار الصدر. ۱۴۲۹ق.
- طباطبایی حکیم، محمد سعید. المحکم فی اصول الفقه. قم: المنار. ۱۴۱۴ق.
- عالیه، سمیر. نظام الدولة والقضاء والعرف فی الاسلام: دراسة مقارنة. بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر والتوزيع. ۱۹۹۷م.
- عراقی، ضیاء الدین. نهاية الافکار فی مباحث الالفاظ. گردآوری محمدتقی بروجردی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۳۶۳.
- علیدوست، ابوالقاسم. فقه و عرف. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. ۱۳۹۸.
- عمید، حسن. فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر. ۱۳۷۵.
- فخر رازی، محمد بن عمر. تفسیر مفاتیح الغیب. بیروت: دار الفکر. ۱۴۰۱ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. کتاب العین. گردآوری مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی. بیروت: اعلمی. چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- فیض، علیرضا. مبادئ فقه و اصول مشتمل بر: بخشی از مسائل آن دو علم. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۹۵.
- لجنة الفقه المعاصر. الفائق فی الاصول. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه. ۱۳۹۷.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. معارج الاصول. گردآوری محمدحسین رضوی کشمیری. قم: آل البيت (ع) لإحياء التراث. ۱۴۰۳ق.
- مددی، احمد. تقریرات درس خارج اصول. ۱۳۹۶: <https://mfeb.ir/home/osulsh-347/>.
- مظفر، محمدرضا. اصول الفقه. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۳۷۰.
- منصوری، خلیل رضا. دراسة موضوعية حول نظرية العرف و دورها فی عملية الاستنباط. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

نائینی، محمدحسین. فوائد الاصول. گردآوری محمدعلی کاظمی خراسانی. قم: مؤسسه نشر اسلامی. ۱۳۷۶.
واسعی، محمد. جایگاه عرف در فقه. تهران: کانون اندیشه جوان. ۱۳۸۶.

Blackwell, D. Basic Statistics. McGraw Hill: January 1, 1969

Blommers, P; Forsyth, R. Elementary Statistical Methods in Psychology and Education, Second Edition.
University Press Of America: April 19, 1983

Daft, R. Organization Theory and Design, 11th Edition. Cengage Learning: March 21, 2012

Fabian, V; Hannan, J. Introduction to Probability and Mathematical Statistics, First Edition. John Wiley &
Sons Inc: January 1, 1985

Mendenhall, W; Reinmuth, J; Beaver, R. Statistics for Management and Economics, 7th Edition. South-
Western College Pub: January 15, 1993

Newbold, P; Carlson, W; Thorne, B. Statistics for Business and Economics, 6th Edition. Prentice Hall:
January 1, 2006

Provost, F; Fawcett, T. Data Science for Business: What You Need to Know about Data Mining and Data-
Analytic Thinking, 1st Edition, Kindle Edition. O'Reilly Media: July 27, 2013

Shavelson, R. Statistical Reasoning for the Behavioral Sciences, 3rd Edition. Allyn and Bacon: January 1,
1996

Simon, H. A. Making Management Decisions: the Role of Intuition and Emotion. Academy of Management
Perspectives, 1(1), 57–64.

doi: 10.5465/ame.1987.4275905

Transliterated Bibliography

Qurān-i Karīm.

Ākhūnd Khurāsānī, Muḥammad Kāẓim ibn Ḥusayn. *Kifāya al-Uṣūl*. researched by Mū'assisa Āl al-Bayt (AS)
Iḥyā' al-Tūrāth. Qum: Āl al-Bayt (AS). Sivum, 1997/1375.

Al-Alfi, Muḥammad Jabr. "al-'Urf: Baḥṭh Fiqhī Muqārīn". *Majmū'ah Maqālāt Mu'tamar Islāmī Jadda*.
1989/1409.

'Alidūst, Abū al-Qāsim. *Fiqh va 'Urf*. Tehran: Pazhūhishgāh-i Farhang va Andīshih-yi Islāmī. 2020/1398.

'Aliya, Samīr. *Nizām al-Dawla wa al-Qaḍā wa al-'Urf fī al-Islām: Dirāsa Muqārana*. Beirut: Mū'assisa

Jāmi'īya li-l-Dirāsāt wa al-Nashr wa al-Tawzī', 1997/1418.

‘Amīd, Ḥasan. *Farhang Fārsī ‘Amīd*. Tehran: Amīr Kabīr. 1996/1375.

Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn. *Kitāb al-Makāsib*. Qum: al-Hādī. 1998/1419.

‘Āzar, ‘Ādil, Maṣṣūr Mu‘minī. *Āmār va Kārburd ān dar Mudīriyat*. Tehran: Samt, 2013/1391; 2018/1396.

Bahrānī, Muḥammad Ṣanqūr ‘Alī. *al-Mu‘jam al-Uṣūlī*. Qum: Naqsh. 2005/1426.

Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn ‘Umar. *Tafsīr Mafātīḥ al-Ghayb*. Beirut: Dār al-Fikr, 1981/1401.

Farāhīdī, Khalīl ibn Aḥmad. *Kitāb al-‘Ayn*. researched by Maḥdī Makhzūmī va Ibrāhīm Sāmarrāi. Beirut: A‘lamī. Chāp-i Awwal, 1988/1408.

Fiḍl, ‘Alī Rizā. *Mabādī Fiqh va Uṣūl Mushtamal bar: Bakhshī az Masā’il ān du ‘Ilm*. Tehran: Mū’assisah-yi Chāp va Intishārāt University of Tehran, 2017/1395.

Ḥakīm, Muḥammad Taqī. *al-Uṣūl al-‘Āmah fī Al-Fiqh al-Muqārīn*. Ed. Majma‘ Jahānī Āl al-Bayt(AS). Qum: Majma‘ Jahānī Āl al-Bayt(AS). 1997/1418.

Ḥakīm, Muḥsin. *Nahj al-Faqāha*. researched by Javād Qayūmī Iṣfahānī. Qum: Dār al-Fiqh, 2001/1379.

Ibn Fāris, Aḥmad ibn Fāris. *Mu‘jam Maqāyīs al-Lughā*. Beirut: Dār al-Fikr. 1979/1399.

Īraj, Ḥamidīh. Bābak Suhrābī. *Ilm Dādih: Mafāhīm va Mahārat-hā*. Tehran: Sāzīmān Jahād Dānishgāhī Tehran, 2017/1395.

‘Irāqī, Žiyā’ al-Dīn. *Naḥāya al-Afkār fī Mabāḥith al-Allāz*. Girdāvarī Muḥammad Taqī Burūjirdī. Qum: Mū’assisa al-Nashr al-Islāmī. 1985/1363.

Īrawānī, ‘Alī. *Ḥāshīya al-Makāsib*. Tehran: Kiyā, 1965/1384.

Iṣfahānī, Muḥammad Ḥusayn. *Ḥāshīya Kitāb-i al-Makāsib*. researched by Shaykh ‘Abbās Āl Sabā’. Qum: Dār al-Muṣṭafā (pbuh) Ihyā’ al-Tūrāth. 1998/1419.

Ja‘farī Langīrūdī, Muḥammad Ja‘far. *Tirminūlūzhi Huqūq*. Tehran: Ganj-i Dānish. 1996/1374.

Kharāzī, Sayyid Muḥsin. "Ḥaqīqat ‘Urf va Aqsām va Mabādī ān". *Majmū‘ah Maqālāt Kungirah-yi Naqsh Zamān va Makān dar Ijihad*. 1996/1374.

Khū‘ī, Abū al-Qāsim. *Dirāsāt fī ‘Ilm al-Uṣūl*. Muqarr Sayyid ‘Alī Ḥāshimī Shāhrūdī. Qum: Mū’assisa Dāyrah al-Ma‘ārif-i Fiqh-i Islāmī. 2006/1384.

Khū‘ī, Abū al-Qāsim. *Miṣbāḥ al-Faqāhah*. Girdāvarī Muḥammad ‘Alī Tawḥīdī Tabrizī, Qum: Anṣāriyān. Chāp-i Duwwum, 1996/1417.

- Khū'i, Abū al-Qāsim. *Miṣbāḥ al-Uṣūl*. Muqarr Muḥammad Surūr Wā'iz Ḥusaynī. Qum: Dāwarī, 2001/1422.
- Khū'i, Abū al-Qāsim. *Muḥāḍarāt fī Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Anṣariyān. 1990/1410.
- Khumaynī, Muṣṭafā. *Tahrīrāt fī al-Uṣūl*. Qum: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āṣār-i Imām Khumaynī. 1997/1418.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *al-Rasā'il*. Qum: Ismā'īliyyān. 1990/1410.
- Khumaynī, Rūḥ Allāh. *Kitāb-i al-Bay'*. Qum: Mū'assisah-yi Tanzīm va Nashr-i Āṣār-i Imām Khumaynī. 2000/1421.
- Lajnat al-Fiqh al-Mu'aṣṣir. *al-Fā'iḳ fī Uṣūl*. Qum: Markaz-i Mudīriyat-i Ḥawzah-hā-yi 'Ilmiyya. 1977/1397.
- Madadī, Aḥmad. *Taqrīrāt Dars-i Khārij Uṣūl*. 2018/1396.
- Manṣūrī, Khalīl Riḍā. *Dirāsā Mawḍū'īya Ḥawl Nazāriya al-'Urf wa Dawrahā fī 'Ilmiyya al-Istinbāt*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1994/1372.
- Muḥaqqiq Ḥillī. Ja'far ibn Ḥasan. *Ma'ārij al-Uṣūl*. Girdāvarī Muḥammad Ḥusayn Raḍawī Kishmīrī. Qum: Āl al-Bayt(AS) li-Iḥyā' al-Tūrāth. 1983/1403.
- Muẓaffar, Muḥammad Riḍā. *Uṣūl al-Fiqh*. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1951/1370.
- Nā'inī, Muḥammad Ḥusayn. *Fawā'id al-Uṣūl*. Girdāvarī Muḥammad 'Alī Kāzimī Khurāsānī. Qum: Mū'assisa al-Nashr al-Islāmī. 1998/1376.
- Rāghib Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. *al-Mufradāt Alfāẓ Qurān*. Qum: Dhawil al-Qurbā, 2005/1383.
- Ṣadr, Muḥammad Bāqir. *Al-Ususu al-Mantiqiyya li-l-Istiqrā'*. Beirut: Dār al-Ta'aruf, 1986/1406.
- Ṣadr, Muḥammad Bāqir. *Durūs fī 'Ilm al-Uṣūl*. Girdāvarī al-Lajna al-Taḥqīq al-Tābi'a li-l-Mū'amar al-'Ālamī li-l-Imām al-Shahīd al-Ṣadr. Qum: Dār al-Ṣadr. 2008/1429.
- Ṣāhib Jawāhir. Muḥammad Ḥasan. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharāy' al-Islām*. researched by 'Abbās Qūchānī. Beirut: Dār Iḥyā' al-Tūrāth al-'Arabī. Chāp-i Haftum, 1984/1362.
- Shahīd Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. *Tamhīd al-Qawā'id*. Girdāvarī Maktab al-A'lam al-Islāmī. Qum: Maktab al-A'lam al-Islāmī, 1995/1416.
- Shāṭibī, Ibrāhīm ibn Mūsā. *al-Muwāfaqāt*. Girdāvarī ibn Ḥasan Āl Salmān. Cairo: Dār Ibn 'Aān, 1996/1417.
- Sīstānī, 'Alī. *al-Qawā'id al-Fiqhiyah*. Girdāvarī Sayyid Ḥāshim Ḥāshimī. Qum: Dār al-Tafsīr. 2020/1441.
- Ṭabāṭabāyī Ḥakīm, Muḥammad Sa'īd. *al-Muḥkam fī Uṣūl al-Fiqh*. Qum: al-Minār. 1994/1414.
- Vāsī'i, Muḥammad. *Jāyghāh 'Urf dar Fiqh*. Tehran: Kānūn Andishih-yi Javān, 2007/1386.